

ولایت لهوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت پنجم

ای نور دو دیده ام دریغا رخسار جهان ندیده رفتی
ای شاخ گل از بهار عمرت یک برگ گلی نچیده رفتی



پشتون ها به سه اتحادیه یا سه کنفدرسیون (Confédérations) تقسیم شده اند:

غزایی، درانی و پشتون هایی که در شرق اقامت گزین هستند. پشتون هایی که در شرق زندگی می کنند، بعضاً به آن ها پشتون های سرحدی نیز اطلاق می شود.

این تعریفی W. Bellew است که مشخص می سازد:

پشتون های غرب، که متشکل از غلزایی ها و درانی ها می باشند، و پشتون های شرق قبایل مناطق کوهستانی و سرحدی را می سازند در بین کمپنی یا گروه هند شرقی و افغانستان واقع بوده، و همچنان قبایلی که در مناطق هموار در پشاور اقامت دارند.

تمامی پشتون های مناطق قبایلی در شرق، همه یکجا یک کنفدرسیون را تشکیل می دهند که به اجداد مشترک ارتباط دارند، و عبارت از کرلنری (Karlanri) می باشد.

بعد از اولین تقسیمات به غرب و شرق، ادبیات انترپولوژی (Anthropologie) پشتون ها را به سه قسمت تقسیم نمود. پشتون های شرق، و غلزایی ها و درانی ها (که قبل از قرن هژدهم میلادی به نام ابدالی ها یاد می شدند).

معلومات کافیی که به ما اجازه شناخت از اتونجنیز (ethnogenèse) پشتون ها بدهد در دست نیست. در قرن یازدهم میلادی مؤرخ عرب "البیرونی" از پشتون ها به صفت مردمانی یاد کرده است که تحت سلطه غزنوی ها زندگی می کردند. در وقت سلطنت غزنوی ها، که پایتخت شان شهر غزنی بود و در جنوب غرب ولایت لهوگر موقعیت دارد.

چندین جنبش یا موج مهاجرت ها به وقوع پیوست:

اول به طرف هند در زمان سلطنت غزنوی ها، و بعداً در تمام دو قرنی که به تعقیب آن، به طرف جنوب و غرب افغانستان فعلی ادامه داشت.

یک تعداد قبایل موسوم به شرق، مانند وزیری ها، که در موقعیت فعلی خود در اخیر قرن شانزدهم میلادی مستقر گردیدند.

یک تعداد دیگر «که گفته می شود از مناطق قندهار به طرف کابل مهاجرت، و بعداً در جلال آباد و دامنه شمالی سلسله "سپین غر" (سفید کوه) در اخیر قرن یازدهم میلادی مستقر شدند». که امکان دارد برای اولین بار در همان وقت پشتون ها در ولایت لهوگر جا به جا شده باشند، و این نشان دهنده یک نقطه عبور بین منطقه کوه سلیمان در جنوب - شرق افغانستان فعلی و سلسله کوه یی "سپین غر" در جنوب ولایت ننگرهار از راه ولسوالی فعلی چرخ و گردنه ولسوالی کوچی و از ره باشد. (دره لهوگر در یک تعداد دره ها و دهلیز های کوهستانی گنجانیده شده و از عهد عتیقه (Antiquité) همانا نقطه عبور بین نیم قاره هند و آسیای مرکزی می باشد).

پشتون ها توسط "بابر" به نام یک جمعیتی که در جنوب کابل زندگی می کردند یاد گردیده است. در تمام طول قرن شانزدهم میلادی، تحت سلطه بابر به تفصیل در مورد اسکان و جاگزین شدن یک کتله بزرگ پشتون ها در منطقه گردنه خیبر (Col de Khaibar) و دره تیراه (Tirah) که از راه ننگرهار به آنجا، جا به جا شده اند.

در قرن بیستم میلادی هر سه کنفدرسیون پشتون ها در ولایت لهوگر موجود بودند، به قرار اطلاعاتی که در سال 1912 میلادی جمع آوری شده است، احمدزی ها و دیگر فرقه ها یا (clans) غلزایی نیز در این ولایت زندگی می کنند، و همچنان درانی ها در دره مرکزی حضور دارند.

در ولسوالی های کوهستانات شرقی، غلزایی ها و پشتون های شرق مخصوصاً خوگیانی ها زندگی دارند.

باز هم قرارِ مشاهداتی که در سال 1912 تحریر گردیده است تاجک ها نیز در درّه اصلی ولسوالی های کوهستانی بی کوچی اقامت دارند. و از طرف دیگر تاجک های اهل تشیع در درّه چرخ و در قریه محمد آغه و برکی برک اقامت دارند.

در این منطقه اخیرالذکر که قلب زراعت آنجا می باشد اورموری ها (Ormors) نیز زندگی داشتند که فعلاً از فهرست این منطقه معدوم شده اند.

(اطلاعات به دست داشته به قرار Cf. Kieffer، 1985 میلادی، صفحه 123 - 139 در مورد اورمورها (Ormors) به قرار ذیل می باشد:

که این محقق نه تنها زبان این مردم را مطالعه نموده است بر علاوه بالای سوالِ مربوط به موقعیت، اوضاع و احوال و شرایط، سیاسی و اجتماعی این قوم نیز اندیشیده است.

سوالی که از نقطه نظر سیاسی اجتماعی بالای تغییر شکل و تبدیل شدن و بالاخره امکان از بین رفتن «بقایای یک زبان» اثر بگذارد، و به فراهم کردن و همچنان انتقال و به ارث گذاشتن معلومات بسیار نادر که از یک طرف ما بتوانیم اجازه شناخت از این مردم را، و همچنان از تاریخ شان، ارتباطات شان با مردمان دیگر در ماحول و محیط شان داشته باشیم. و از نظر منطقی یا (termes) بالای کدام منطق و اصطلاح، تصور از خود و از دیگران داشته اند).

این معلومات برای ما امروز بسیار با ارزش و گران بهاست، زیرا که این طایفه از بین رفته است.

ادامه دارد